علم

ژنتیک در هزاره سوم
خودیاری یا شیادی
۱۴

پزشکی

برای کوچک کردن بینی اصرار نکنید
پوست جسد برای سوختگی ها
۱۵

خانه

باغچه‌ای با لاله‌های نورانی
راهکارهای رفع استرس سر جلسه امتحان
۱۶

جامعه

گفتارها

نام‌های سرزمین ایران

برابر اسناد تاریخی و شواهد، قراین و فرهنگ شفاهی می توان گفت چهار نام برای کشور ایران و همچنین دریای جنوب ایران به کار رفته است: ۱- کشور جم (جمشید)، ۲- مملکت عجم، ۳- پارس (فارس)، ۴- ایران (ایراک، عراق معرب شده ایراک، ایلام). اینکه کدام اسم قدیمی تر و حدود جغرافیایی هرکدام چه محدوده‌ای بوده است مورد اختلاف است. از آنجا که در داستان‌های کهن ایرانی که البته با ابهاماتی به نسل های هزاره اول میلادی منتقل شده و بخشی از آن در بعضی کتب موجود است، جم که در اوستا، یم و در زبان پهلوی و کردی جمشید و جمشیر و جم و گاهی هجم بیان شده است از اولین پادشاهان و پیامبران ایرانی ثبت شده که بر اساس نوشته‌ها و داستان‌های شفاهی و کتب خداینامه‌ها، اختراع لباس، نگارگری، کشف فلز، ساختن گرمابه، پزشکی و جشن نوروز را به او نسبت داده‌اند. صفات این پادشاه شباهت زیادی به نوح در قرآن دارد و بعضی وی را با حضرت سلیمان یکی دانسته‌اند. در اوستا آمده است در زمان جمشید ۳۰۰ سال مرگ و بیماری نبود اهورا مزدا از او خواست که پیامبرش در روی زمین باشد ولی او شهریاری را پذیرفت. در یکی از سال‌ها سرما به شدت فزونی یافت او دژی به‌نام جم کرات (ورجمکرت) ساخت و حیوانات را در آن جای داد در دوره او حیوانات فزونی یافتند. او جامی داشت که در آن تمام اسرار نهان را می دید نگاه کردن به گوی شیشه‌ای و اسرار گفتن از این دوره رایج شده است، سرانجام او ادعای خدایی کرد و گمراه شد پس ضحاک بر او چیره شد و به تعبیر فردوسی: منی کرد آن شاه یزدان‌شناس / ز یزدان بپیچید و شد ناسپاس. بنابر این کشور جم شاید قدیمی‌ترین نام ایران باشد که عرب‌های دوره جاهلیت آن را معرب کرده، اجم و عجم گفتند و کلمات عجمه، عجمو، اعجمی و الاعاجم را از آن ساختند. سعدی می گوید:

چنین گفت شوریده‌ای در عجم/ به کسرا که ای وارث ملک جم/ اگر ملک بر جم بماندی و تخت/ تو را کی میسر شدی تاج و تخت. شهرت جم و جمشید باعث شد که مورخین مسلمان ساخت پرسپولیس را بدو منسوب نموده و آنجا را تخت جمشید نامیدند. پروین اعتصامی نیز چنین سروده است: تخت جمشید حکایت کند ار پرسی که / چه آمد به فریدون و چه شد بر جم / مرا زیبد از خسروان عجم / سرتخت کاووس و اکلیل جم / بخشش و هدایا رسم ملوک عجم بود به هنگام ولادت نبی ایوان کسرا انوشیروان ابن قباذ خسرو ملک عجم فرو فتاد.

بنا بر این می بینیم که جم که از شاهان ماقبل تاریخ است از امپراتوران پارسی شهرت بیشتری داشته و در داستان‌های سینه به سینه همواره عظمت او نقل شده است. قبل از اینکه دریانوردان یونانی و مصری نام پرشیا و پلسیا را برای حوزه فلات ایران مرسوم سازند از این منطقه بیشتر به کشور جم، سرزمین یم، اریتران، ارنا، آریانا و ایران یاد می شده است. بنابر این به احتمال زیاد اسامی کشور جم و کشور ایران قدمت بیشتری از نام کشور پارس داشته است. از مستندات یونانی و ایرانی برمی آید که در سراسر آب‌های ساحلی جنوب ایران سه قوم عمده به ترتیب در شرق پارت‌ها، مکرانی‌ها و کرمانیا در مرکز پارس‌ها و در غرب ایلامی‌ها و خوزی‌ها ساکن بودند ولی پارس‌ها به دلیل برخورداری از سواحل دریای پارس و دریانوردی از شهرت بیشتری برخوردار شدند و از سال ۶۰۰ قبل از میلاد نام آنها بر بخش وسیعی از فلات ایران و سپس به تمام فلات ایران منسوب شد. پارس‌ها گروهی از آریایی‌ها بودند که به اسب‌سواری و داشتن اسب‌های ورزیده شهرت داشتند و یکی از معانی کلمه پارس به معنی اسب‌سوار، چالاک و دلیر است و اعراب هنوز هم کلمه فارس و فرس را به همین معنی به‌کار می برند. به همین دلیل اسب و سرو در تمام نمادهای پارسی برجامانده از دوره پارسی به ویژه در تخت جمشید و نقش رستم وجود دارد.

(از کتاب خلیج فارس نامی کهن‌تر از تاریخ، محمد عجم)

آلن کارول رئیس گروه تدوین نقشه‌های این اطلس گفته است که سیاست این موسسه در ثبت نام مکان‌ها، سیاست دوفاکتو است؛ یعنی بنا بر نام‌هایی که در عمل به کار می رود، تصمیم گرفته می شود، نه بر اساس نامی که فرد یا گروه خاصی بر آن می نهد. وی همچنین تصریح کرد که نام خلیج فارس در اطلس نشنال جئوگرافیک، همچنان به عنوان نام اصلی این خلیج به کار خواهد رفت. خلیج فارس نام تاریخی آب‌هایی است که از زمان باستان تا به حال به کار برده شده است. بنا بر مدارک متقن، یونانیان آن را Sinus Persicus، رومیان Mare persicum و عرب‌ها نیز قرن‌ها آن را خلیج فارس یا بحر فارس می نامیدند. در زیر به چند سند مهم تاریخی اشاره می شود: در سنگ‌نبشته داریوش هخامنشی در مصر متعلق به سال ۵۱۸ تا ۵۱۵ پیش از میلاد، در عبارت درایه تپه هچا پارسا آیی تی هنی؛ دریایی که از پارس می رود یا سر می گیرد، نام دریای پارس آمده است. بطلمیوس عالم و جغرافیدان مشهور قرن دوم میلادی در کتاب جغرافیای عالم که به زبان لاتین نگاشته شده، از نام (پرسیکوس سینوس) به عنوان خلیج فارس یاد کرده است. در سال ۴۲۵ پیش از میلاد، هرودوت مورخ مشهور یونانی در کتاب تاریخ معروف خود، نام خلیج فارس را بحر احمر یا دریای سرخ نامیده است. در سال ۱۸۹۲ لرد کرزن وزیر خارجه انگلستان در کتاب ایران و قضیه ایران، بارها به نام خلیج فارس اشاره کرده است. ویلیام راجز وزیر امور خارجه وقت ایالات متحده آمریکا در گزارش مورخ ۱۹۷۱ میلادی خود در مورد سیاست خارجی این کشور از نام خلیج فارس استفاده کرده است، از جمله فرهنگ‌های آلمانی، انگلیسی، آمریکایی، فرانسوی، ترکی و . . . . در فرهنگ‌هایی که به زبان‌های مختلف تدوین و چاپ شده است؛ از جمله فرهنگ‌های آلمانی، انگلیسی، آمریکایی، فرانسوی، ترکی و . . . خلیج فارس نیز به همین نام آورده شده است.

عملکرد رسانه‌های عربی در مورد نام خلیج فارس

خلیجی به نام فارس

محمد عجم*

در پاییز سال ۱۳۸۳ انتشار اطلس تازه سازمان نشنال جئوگرافیک در آمریکا که معتبرترین بنیاد نقشه‌نگاری در دنیا محسوب می شود خشم میلیون‌ها ایرانی مقیم خارج و داخل را برانگیخت. در پی اقدامات مردمی که همراهی بخشی از بدنه حاکمیت را نیز دربرداشت و دادنامه اینترنتی که به گونه بی سابقه‌ای نزدیک به صد هزار نفر از سراسر جهان آن را امضا کردند، سازمان مذکور را ناچار ساخت تا نام ساختگی «خلیج عربی» را که در زیر نام تاریخی «خلیج پارس» قرار داده بود از نقشه آن لاین سایت خود حذف کند. این خیزش خودجوش مردمی علیه نشنال جئوگرافیک اثرات مهمی بر افکار عمومی در جهان عرب گذاشت. رسانه‌های گروهی و به ویژه روزنامه‌های عربی واکنش‌های متفاوتی از خود نشان دادند. نسل جدید در کشورهای عربی در ۴۰ سال گذشته نام خلیج پارس را در رسانه‌های عربی به ندرت شنیده‌اند بنابراین فکر می کردند که این ایران است که نام خلیج را به خلیج پارس تغییر داده است! ولی رویداد اخیر موجب شد تا بسیاری از روشنفکران چه در جهان عرب و چه حتی در غرب به ریشه‌یابی حقیقت این نام بپردازند. مطالعه تاریخی این موضوع شکی در حقانیت کاربرد نام خلیج پارس برای هیچکس باقی نمی گذارد. نمونه چنین برداشتی را می توان در روزنامه الاهرام ۱۸ شماره ژانویه ۲۰۰۵ مشاهده کرد. به طور کلی مطالب منتشر شده در رسانه‌های گروهی عربی درباره این موضوع را می توان در سه دسته قرار داد:

۱- گروهی که در نوشته‌ها و گفته‌های خود حق را به ایران می دادند و از تندروهای قوم‌پرستی که با انگیزه‌های سیاسی و نژادی مخالف کاربرد نام خلیج پارس هستند انتقاد کردند ولی در عین حال پیشنهاد می دادند که «کشورهای عربی و ایران هر دو نام و یا نام خلیج اسلامی را به کار ببرند.»

۲- گروهی که در نوشتارها و یا در برنامه‌های تلویزیونی مانند العربیه و یا ال‌بی‌سی ضمن اعتراف به حقانیت تاریخی نام خلیج پارس اظهار داشتند که «ایران نباید روی این نام تازه حساسیت نشان دهد چون حق عرب‌های ساکن در خلیج است که آنجا را به نامی که مناسب خودشان است بنامند»؛ و بر این باور بودند که «همانطور که عرب‌ها به ایران در مورد نامیدن خلیج به پارسی اعتراضی ندارند ایران نیز نباید به اعراب معترض شود»! حال آنکه ایران تنها به کاربرد نام تاریخی این پهنه آبی اذعان دارد ولی عرب‌ها به تغییر آن اقدام کرده‌اند.

۳- گروه سوم نویسندگان مغرضی بودند که همواره در دهه‌های گذشته علیه ایران مقاله و مطلب می نویسند. این گروه از فرصت استفاده کرده و به تحریک افکار عمومی علیه ایران پرداختند. یکی از آنها مدعی شد که «از اینکه ایران از اعراب می خواهد که نام تاریخی خلیج عربی را به خلیج فارس تغییر دهند شوکه شده است»! دیگری گفت «این رفتار ایرانی‌ها به رفتار ابرقدرت‌ها شباهت دارد و نشانگر توسعه‌طلبی است» که در اینجا به‌طور نمونه چند مورد را بیان می کنیم.

■ روزنامه شرق‌الاوسط

این روزنامه بین‌المللی پرفروش‌ترین و معتبرترین روزنامه عربی است که به صورت اینترنتی نیز در دسترس است و مادر دیگر روزنامه‌های عربی محسوب می شود. این روزنامه ابتدا خبر خیزش مردمی علیه نشنال جئوگرافیک را در سه خبر متفاوت به چاپ رساند. در تاریخ ۲۰۰۴/۱۱/۲۳ خبر ممنوع شدن انتشارات نشنال جئوگرافیک در تهران را منتشر کرد. در ۲۰۰۴/۱۲/۱۵ نویسنده‌ای به نام هدی الحسنی که مقالات ضدایرانی او معروف است فرصت را غنیمت شمرد و مقاله‌ای توهین‌آمیز تحت عنوان «ایران خشمگین» منتشر کرد. خوشبختانه مقاله او پاسخ‌های کوبنده‌ای در صفحه اظهارنظرها به همراه داشت یکی از آنها ۲۰۰۴/۱۲/۱۶ به نام محمد ابوعلی در همین روزنامه از نام خلیج پارس دفاع و اظهارات مخالفان نام خلیج پارس را به‌طور مستند رد کرد. سپس در ۲۰۰۵/۱/۱ در این خصوص عبدالرحمن راشد سرمقاله‌ای با نام «مشکل خلیج نام آن نیست» منتشر کرد. نویسنده در مقاله اعتراف کرد که از نظر تاریخی خلیج پارس درست است زیرا قبل از دوره ناصر هیچ نقشه یا سندی را به نام خلیج عربی ندیده است و اگر ایران نیت‌های دوستانه داشته باشد برگرداندن نام خلیج پارس برای این پهنه آبی برای ما کار مشکلی نیست اما برای این کار شرط اول این است که ایران جزایر سه‌گانه را به امارات بدهد و در امور کشورهای عربی دخالت نکند! در تائید و یا رد این مقاله نیز چند جوابیه در روزهای بعد در روزنامه منتشر شد.

همین روزنامه ۲۰۰۵/۱/۱۱ خبر عذرخواهی نشنال جئوگرافیک را در مورد نام خلیج پارس منتشر کرد و نوشت تحت فشار ایران «خلیج عربی» از اطلس بین‌المللی برداشته شد. در تاریخ ۲۰۰۵/۱/۱۵ سعدبن طفله مقاله‌ای منتشر کرد و گفت «از نظر من هر دو نام درست است و کاربرد هر دو نام هیچ ضرری به کسی نمی رساند.» این روزنامه در یکم ژوئن ۲۰۰۵ دوباره نوشتاری با نام «مقام ایرانی از اعراب خواست نام خلیج را فارسی به کار برند» را منتشر و به صورتی شعارگونه این اقدام را زیر سئوال برد. ۳۱ اکتبر ۲۰۰۵ احمد الربیعی نویسنده کویتی و از مخالفان سرسخت ایران در بخش عربی و ۲۰۰۵/۱۱/۶ در بخش انگلیسی شرق‌الاوسط مجدداً مقاله عنادآمیزی منتشر کرد و اصرار ایران بر حفظ نام خلیج فارس را نوعی توسعه‌طلبی و حماقت نامید. پژمان اکبرزاده (سخنگوی سازمان خلیج پارس در ایران) در همان زمان گزارشی از مطلب وی و واکنش ایرانیان نگاشت که رسانه‌های ایرانی حاضر به انعکاس آن نشدند.

برگردان دو سند محرمانه از پوشه نام خلیج پارس (Persian Gulf) در وزارت امور خارجه بریتانیا بدین شرح است:

۱- پوشه شماره ۰۴ تاریخ ۲۰ مارس ۱۹۷۵

از: بی. کی. ویلیامز، اداره خاورمیانه وزارت خارجه. لندن- خیلی محرمانه

به: آقای لوکاس

موضوع: خلیج پارس

امروز وابسته تجاری ایران آقای بهار با من ملاقات کرد و برگه‌ای از سازمان استخدام مدیران و متخصصان به من داد که در آن خلیج عربی به کار رفته است. با مستر جیمز مدیر شرکت صحبت کردم. وی گفت این آگهی را یک شرکت نفتی دبی داده است و ما به محتوای مطلب دقت نکردیم و قول داد که از این به بعد در چاپ آگهی‌ها دقت بیشتری به عمل آید. به هر حال طرف ایرانی قبول کرد که نیت سوء و تعمد در نشر این آگهی نبوده و سیاست ما کاربرد نام واقعی خلیج پارس است.

لازم است از طرف ما دقت بیشتری معمول شود و در این مسائل بی طرف باشیم.

امضا بی. کی. ویلیامز، اداره خاورمیانه.

۲- سند به تاریخ ۲۰ مارس ۱۹۷۵

از: بی. کی. ویلیامز، اداره خاورمیانه وزارت خارجه. لندن- خیلی محرمانه

به: آقای دی. جیمس. سری

موضوع: ایران و خلیج پارس.

همانطور که در تماس تلفنی متذکر شدم خواهشمند است که اقدام فوری برای رفع خطای به عمل آمده در نشریه به عمل آید. عبارت به کار رفته خشم ایرانیان را برانگیخته است. همانطور که گفتم نسخه‌ای توجیهی در خصوص نام خلیج پارس به پیوست ارسال می شود. این نسخه برای تمام ادارات ارسال شده است برای اینکه از هرگونه ناراحتی طرف‌های ذینفع در این موضوع اجتناب شود بهتر است که عبارت مختصر خلیج را به کار ببریم اما این موضوع نیز می تواند حساسیت و ناراحتی ایرانی‌ها را فراهم نماید. حساسیت ایرانی‌ها در این رابطه بسیار زیاد است و تکرار این خطا واکنش شدید آنها را در برخواهد داشت.

امضا بی. کی. ولیامز. اداره خاورمیانه.

در روزنامه الاهرام ۱۸ ژانویه ۲۰۰۵ دکتر هشام الاسمر در مقاله‌ای به نام «خلیج فارسی و البحر المصری» می نویسد: «از زمانی که خود را به یاد می آورم همیشه در همه رسانه‌های گروهی عربی نام خلیج فارس را شنیده‌ام ولی اخیراً متوجه شدم که در رسانه‌های گروهی اجنبی خلیج فارس به کار برده می شود ولی نمی دانم کدام نام قدیمی‌تر و کدام یک جدیدتر است. ولی اگر نام خلیج فارس قدیمی‌تر باشد و حالا ایران قصد زنده کردن آن را داشته باشد نباید آن کشور را مذمت کرد بلکه این ما هستیم که باید به دنبال زنده کردن نام تاریخی دریای مصر به جای مدیترانه باشیم.»

در ۱۵ / ۱۰ / ۸۳ گلف‌نیوز در نوشتاری به بهانه نام خلیج پارس، ایران را متهم به زورگویی و تحمیل نام بر همسایگان کرد. در ۲۰۰۵/۱/۷ دکتر یاسین سوید، طی مقاله‌ای همزمان در روزنامه نهار لبنان و النهار مراکش، ضمن تایید حقانیت نام خلیج پارس چنین نوشت: «خلیج فارس درست است ولی حال که این موضوع اختلافی شده است بهتر است نه خلیج فارس و نه خلیج عربی بگوییم بلکه خلیج را خلیج اسلام بنامیم.» (!)

ولی از همه شگفت‌انگیزتر در ۴ نوامبر ۲۰۰۵ سایت ایلاف و سایت محیط و روزنامه تجدید چاپ مغرب در نوشتاری نام خلیج پارس را اصطلاحی صهیونیستی نامیدند که صهیونیست‌ها آن را در ضدیت برعلیه فرهنگ اسلامی و عربی اختراع کرده‌اند! گفتنی است در جوابیه‌ای ۱۰ صفحه‌ای که نگارنده برای سردبیر این روزنامه دکتر عبدالله ابن کیران ارسال کرد وی در پاسخ ضمن تائید جملات بنده مبنی بر اینکه نام خلیج فارس میراث عربی اسلامی و مورد قبول جهانیان است و ارتباطی به اسرائیل ندارد مقاله را از وب سایت خود حذف کرد. وی همچنین یادآوری کرده که در تمام دوران تحصیلش در مراکش (مغرب) در کتاب‌ها نام خلیج فارس وجود داشت. قدس عربی چند نوشتار نیمه انتقادی و در مخالفت با نام خلیج پارس دارد. از جمله در شماره‌های ۱۲ جولای ۲۰۰۵ و در تاریخ ۱۷ ژانویه ۲۰۰۶ البته در تاریخ ۲۰۰۶/۱/۲۶ قدس عربی همچنین مقاله‌ای به نفع نام خلیج پارس دارد که در آن دکتر فواد حداد خاطرنشان ساخته: «خلیج فارس نامی است که جهانگردان و جغرافیدانان عرب از گذشته برای خلیج فارس به کار برده‌اند چرا که آنها از اسلوب علمی و منطقی پیروی می کردند و نه از تعصبات قومی و سیاسی. اینکه ما این نام را تغییر داده‌ایم از روی تعصب است. چرا ایرانیان را برای به کار بردن خلیج فارس مذمت می کنیم در حالی که اجداد خودمان این نام را انتخاب کرده‌اند.»

جریده «السیاسه الکویتیه» ۲۰۰۵/۱/۲ مقاله‌ای به نام لا هلا و لا مرحبا درخواست ایران را موضوعی نژادپرستانه خوانده است. روزنامه خلیج تایم نیز مقاله‌ای در ۸۳/۱۰/۱۵ در رد نام خلیج فارس دارد.

گفتنی است که در اداره آرشیو ملی انگلستان اسناد محرمانه دولتی بعد از گذشت ۳۰ سال در معرض علاقه‌مندان قرار می گیرد. در این آرشیو، پرونده‌ای با عنوان «نام خلیج پارس» وجود دارد. در چندین مکاتبه، کارگزاران انگلیسی با اعتراف به تاریخی بودن نام خلیج پارس، مدعی شده‌اند که کاربرد عبارت «خلیج» جنبه بی طرفانه دارد. در یکی از این مکاتبات، در پاسخ به اعتراض وزارت خارجه ایران در سال ۱۹۷۵ به بی بی سی آمده است: «ما ضمن این که نام واقعی این آبراه را خلیج پارس می دانیم، ولی ناچاریم در برنامه عربی، آن را خلیج عربی و در برنامه جهانی، خلیج بنامیم.»

در سال ۱۸۸۸ میلادی پادشاه ایران استدلال‌های حقوقی و تاریخی خود را مبنی بر مالکیت و حاکمیت ایران بر جزایر سه‌گانه مطرح کرد. ایران برای اثبات حاکمیت خود بر سه جزیره ابوموسی و تنب بزرگ و تنب کوچک، علاوه بر استناد به اسناد تاریخی، با توجه به نقشه‌های رسمی خود دولت انگلیس (نقشه‌های وزارت جنگ و وزارت دریانوردی که در سال ۱۸۸۸ به شاه ایران تقدیم شده بود، نقشه‌های لرد کرزن در سال ۱۸۹۲ و . . .) که در همه آنها جزایر به رنگ ایران و متعلق به ایران ترسیم شده بود، با انگلیس به مجادله قانونی و حقوقی پرداخت. مقامات ایران با توجه به این اسناد و نقشه‌ها، برای کاربرد بین‌المللی نام Persian Gulf پافشاری می کردند. استدلال‌های ایران، انگلیسی‌ها را به فکر انداخت تا کاربرد گسترده و پذیرفته شده عبارت Persian Gulf را مخدوش کنند. نکته قابل توجه این که در دوره جنگ‌های ایران و عثمانی، ترک‌ها نیز سعی کردند نام خلیج بصره را - که نام یکی از خورهای خلیج پارس است - به کل این آبراه نسبت دهند، که این اقدام نیز توفیقی نیافت اگرچه ترک‌ها هنوز هم اغلب خلیج پارس را خلیج بصره می نامند و متاسفانه هیچ اعتراضی هم نسبت به آنها صورت نمی گیرد. رسانه‌های عربی نیز عملاً از سال ۱۹۶۰ با نام خلیج فارس وداع کردند و از آن زمان به ندرت نام واقعی خلیج فارس را به کار می برند. مثلاً روزنامه الاهرام در یک آگهی مربوط به کشتیرانی که ده‌ها سال در اهرام تبلیغ می شد در آگهی تبلیغی خود می نوشت «کشتیرانی منظم شرکت مصر للملاحه از اسکندریه به الخلیج الفارسی و بحر ابیض و هند و جنوب آفریقا». اما در دهه ۱۹۶۰ این آگهی به خلیج عربی تغییر کرد. عبدالرحمن راشد مدیرکل شبکه جهانی تلویزیون العربیه و نویسنده سرشناس پرتیراژترین روزنامه عربی «الشرق الاوسط» چاپ لندن و سعدبن طفله وزیر فرهنگ و اطلاعات پیشین کویت در دو نوشتار جداگانه درباره نام خلیج پارس در تاریخ ۲۰۰۵/۱/۱ و ۲۰۰۵/۱/۱۵ اعتراف کرده‌اند که هیچ سندی برای تغییر نام این خلیج وجود ندارد و در این خصوص با ملت ایران همفکری کرده‌اند. عباس نصرالله تاریخ‌نگار لبنانی می گوید: «دو سوی خلیج فارس زمانی به ایران تعلق داشت و یک دریای ایرانی بود من نه تنها خلیج فارس را از نظر تاریخی خلیج فارس می دانم در حال حاضر نیز ایرانی است وجود فعلی چند کشور عربی حقیقت تاریخ را عوض نمی کند جزایر سه‌گانه هم همیشه متعلق به ایران بوده است.»

محمد ابوعلی به تاریخ ۲۰۰۴/۱۲/۱۶ در همان روزنامه تغییر یک جانبه نام خلیج فارس را توسط روشنفکران ناسیونالیست عرب محکوم کرده و نوشته است: «همه کتاب‌های تاریخی، جغرافیایی و اطلس‌های جهان نام خلیج فارس را در طول تاریخ به همراه دارند». یاسین سوئد در نهار المغربیه ۲۰۰۵/۱/۷ در حالی که اسناد تاریخی عربی و غیرعربی نام خلیج پارس را تائید می کند اصرار برخی قوم‌گرایان بر تسمیه عربی را «عملی مربوط به تعصبات عصر جاهلیت» می خواند. مجله الاهرام در شماره ۲۱۹- ۲۰۰۱/۶/۲۱ متن کامل مصاحبه آقای مجدی عمر معاون اول پیشین شورای دفاع ملی مصر را چاپ کرده که وی در بخشی از سخنان خود چنین گفته است: «نسل من به خاطر دارد که ما در ایام مدرسه در کتاب‌ها و نقشه‌ها با لفظ خلیج فارس سر و کار داشتیم ولی پس از مدتی به آن خلیج عربی اطلاق کردیم. این غیرمنطقی، رذالت و پستی است. این که چند کشور عربی در اطراف آن باشند دلیل نمی شود که نام تاریخی آن را تغییر دهیم، حال برای اینکه خود را از این مخمصه نجات دهیم تنها آن را خلیج می نامیم، کدام خلیج؟! مگر خلیج بدون نام هم می شود». در کتاب «تطویر العلاقات المصریه الایرانیه» مجموعه نویسندگان، چاپ بنیاد پژوهش‌های سیاسی و استراتژیک الاهرام در قاهره در سال ۲۰۰۳ به نقل از پروفسور دکتر عبدالمنعم سعید رئیس این مرکز و از نویسندگان الشرق‌الاوسط چنین آمده: «به صراحت تمام بگوییم هیچ مدرک و سند تاریخی ندیدم که نام خلیج فارس را بتوان بر پایه آن تغییر داد. همه نقشه‌ها و کتاب‌های تاریخی و حتی بعضی از سخنرانی‌های ناصر از خلیج فارس صحبت شده است. اگر تغییر نام خلیج باعث کدورت مردم ایران است چرا به حقیقت اعتراف نمی کنیم. باید شجاعت داشت و این در حدود موازین علمی است.»

روزنامه الاهرام در ۲۰۰۲/۷/۲۰ در نوشتار «انقلاب ناصر خلیج را به جای فارسی عربی کرد» نوشته است که نام خلیج از نظر تاریخی خلیج فارس است. ولی در اثر انقلاب ناسیونالیستی ناصر به خلیج عربی تبدیل شد. البته حقیقت این است که عوامل استعمار این توطئه را آغاز کردند و تندروهای عرب ناآگاهانه در دام آنها افتادند. پروفسور عبدالهادی تازی عضو آکادمی پادشاهی مغرب و رئیس گروه نام‌های جغرافی کشورهای عربی در همایش یکسان‌سازی نام‌های جغرافیایی سازمان ملل در گفت‌وگو با خبرگزاری ایرنا اظهار داشت: «من هیچ منبع تاریخی را ندیده‌ام که آبراه جنوب ایران را خلیج عربی نامیده باشد اعراب قبل و پس از اسلام همیشه این آبراه را بحر فارس، بحرالعجم و یا خلیج فارس نامیده‌اند. خود من نقشه سفرهای ابن بطوطه را در کتابم ترسیم کرده‌ام و نام خلیج فارس را در جای خودش آورده‌ام. به نظر من مسئولان نقشه‌نگاری کشورهای عربی و ایران باید نشستی داشته باشند و در مورد این نام با یکدیگر به نتیجه‌ای مورد رضایت دو طرف دست یابند. اعراب هیچ نیازی ندارند که نام تاریخی خلیج فارس را به خلیج عربی تبدیل کنند و باعث کدورت همسایگان غیرعرب در منطقه شوند، این عمل تفرقه‌افکنی میان مسلمانان است. اگر کسانی با نام «فارس» مشکل دارند می توانند نام تاریخی معادل دیگر آنجا را که بحرالعجم بوده است به کار ببرند. اینکه برخی نویسندگان عرب در ترجمه و یا تجدید چاپ کتب قدیمی نام بحر فارس و خلیج فارس را تحریف می کنند غیرمنطقی و از نظر من مردود است. سازمان ملل نام خلیج فارس را به رسمیت می شناسد و من همیشه مخالف طرح ابهام در این خصوص در سازمان ملل بوده‌ام.»

روزنامه کیهان عربی در ۲۰۰۲/۱۰/۱۳ نوشته است: «دکتر بروس اینغهام رئیس مرکز پژوهش‌های خاورمیانه و نزدیک دانشگاه لندن در مصاحبه‌ای گفته است که فکر می کنم همه در این حقیقت با من موافق هستند که این آبراه از نظر تاریخی خلیج فارس نام دارد و این نام نزد همه ملل شهرت دارد و عرب‌ها و ایرانی‌ها نیز این نام را از یونانیان قبل از اسلام گرفته‌اند. به نظر من برای مناطق جغرافیایی باید نام‌های با ریشه تاریخی را به‌کار برد و این به معنی آن نیست که خلیج فارس متعلق به فارس‌ها است، همان‌طور که اقیانوس هند متعلق به هند نیست. این که دولت بریتانیا و بعضی از دولت‌ها برخلاف روند تاریخی این نام واژه «خلیج» را به‌کار می برند، یک اشتباه فاحش و توهین‌آمیز است.»

***استاد دانشگاه در مراکش**

خبرها

تحریف نام خلیج فارس در کتب درسی ایتالیا

آفتاب: در برخی کتب درسی دانش‌آموزان ایتالیایی نام خلیج عربی در کنار خلیج فارس ذکر شده است. در کتاب «جئولینک» که یکی از کتاب‌های آموزش جغرافیا در مقطع تحصیلی سوم راهنمایی است، در کنار نام خلیج فارس در نقشه جغرافیایی جهان و همچنین متون درسی، داخل پرانتز خلیج عربی نوشته شده است و به دانش‌آموزان گفته می شود که تفاوتی بین خلیج فارس و خلیج عربی وجود ندارد! این درحالی است که مسئول دفتر وزیر آموزش و پرورش ایتالیا و همچنین رئیس روابط عمومی این وزارتخانه ضمن ابراز تاسف از چاپ نام خلیج عربی در کتاب‌های درسی مدارس ایتالیا اعلام کردند، در ایتالیا کتب درسی واحدی برای مقاطع تحصیلی وجود ندارد و این وزارتخانه به ابلاغ محتوای برنامه‌های آموزشی به مدارس اکتفا می کند و به همین دلیل انتخاب محتوای کتب درسی بر عهده معلمان و دبیران است. در عین حال، معلمان و دبیران نیز نسبت به اصلاح متون کتاب‌های درسی ابراز ناتوانی کردند و نهایتاً موسسات انتشاراتی را مسئول مستقیم این اشتباهات دانستند. از طرفی مدیر موسسه انتشاراتی «لوشر» که ناشر کتب درسی دانش‌آموزان است، ضمن رد این اتهامات ذکر نام خلیج عربی در کنار نام خلیج فارس را نه تنها باعث گمراه کردن دانش‌آموزان نمی داند، بلکه آن را گامی برای شناسایی مناطق مختلف با استفاده از منابع گذشته و حال دانست!

مجموعه اطلاعاتی «خلیج فارس» گردآوری می شود

ایسنا، ۸۵/۲/۱۲: کلیه سندها و اطلاعات مربوط به «خلیج فارس» گردآوری می شوند. سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران و بنیاد ایران شناسی با اجرای دو طرح: «تالیف تاریخ و جغرافیای جامع و مستند خلیج فارس از دورترین ایام تاکنون»، و ترجمه کتاب چندجلدی «لوریمر»، درباره خلیج فارس، که جلد اول آن با ترجمه استاد عبدالمحمد آیتی به زودی منتشر می شود، درصددند حقایق تاریخی و ملی مربوط به این خطه تاریخی را در اختیار عموم قرار دهند. اسناد و مدارک منتشرشده در کتاب‌ها و نقشه‌ها و نوشته‌های گوناگون که توسط بنیاد ایران شناسی طی سال‌های اخیر تهیه و تدوین شده، در یک بانک گسترده منحصر به فرد رایانه‌ای ثبت شده و نیز اسناد منتشرنشده‌ای که در سازمان اسناد و کتابخانه ملی و دیگر مراکز موجود است، محتوای این مجموعه اطلاعاتی را تشکیل می دهند. براساس این فراخوان، با توجه به اهمیت این اقدام از کلیه علاقه‌مندان به تاریخ و تمدن و فرهنگ ایران دعوت می شود چنانچه نقشه و سند و مدرکی در این زمینه دارند، به صورتی که مایلند، به عنوان اهدا به سازمان اسناد و کتابخانه جمهوری اسلامی ایران یا بنیاد ایران شناسی و یا فروش (مطابق مقررات)، در اختیار یکی از این دو سازمان قرار دهند تا مورد استفاده در این مجموعه قرار گیرد. بدیهی است که نام واگذارکننده سند در کتاب به صورت مناسب یادآوری خواهد شد.

همایش بزرگداشت روز ملی خلیج فارس

ایسنا، ۸۵/۲/۱۱: نماینده مردم رشت در مجلس شورای اسلامی گفت: با توجه به منابع اقتصادی عظیم ایران، غربی‌ها به بهانه‌های مختلف برای تحت‌الشعاع قرار دادن و سوءاستفاده از این منابع تلاش می کنند. در خوزستان، صادق‌زاده در همایش سراسری بزرگداشت روز ملی خلیج فارس که در دانشگاه علوم و فنون دریایی خرمشهر برگزار شد، اظهار داشت: با توجه به تبلیغات زیادی که علیه منافع ملی کشور، به ویژه در حوزه خلیج فارس وجود دارد، در مقاطع مختلف زمانی، کشورهای غربی بهانه‌های مختلفی را برای تحت‌الشعاع قرار دادن این منابع عنوان کرده‌اند. وی افزود: گاهی با بحث حقوق بشر و گاهی با بحث انرژی هسته‌ای، به رغم این که ایران در چارچوب NPT عمل می کند، برای تحت فشار قرار دادن مردم ایران تلاش می کنند؛ بنابراین همه ارگان‌ها و نهادهایی که در زمینه‌های مختلف با خلیج فارس سر و کار دارند، باید برای حفظ و حراست از این منابع تلاش کنند. صادق‌زاده با اشاره به این که متاسفانه بعضی از نهادها و ارگان‌ها در زمینه حفظ منابع ملی منفعل عمل می کنند، تصریح کرد: از افراد دانشگاهی که در حوزه خلیج فارس فعالیت می کنند، می خواهیم با توجه به این که به تازگی مرکز اسناد خلیج فارس در دانشگاه علوم و فنون دریایی خرمشهر آغاز به‌کار کرده و قرار بر این است که همه مراجع در این مرکز جمع‌آوری شود، تمام منابع در دست خود را به صورت فهرست کتابخانه‌ای در اختیار این مرکز قرار دهند تا حداقل دانشگاه علوم و فنون دریایی خرمشهر و دانشگاهیان، نقش خود را در احیا کردن و پاسداشت نام خلیج فارس بتوانند ایفا کنند.